

## وزارت معارف و دولت وحدت ملی محمد اکرام اندیشمند

پافشاری و میانجیگری ایالات متحده آمریکا با نقش و حضور جان کیری وزیرخارجه آن کشور پس از بحران انتخابات حمل 1393 ریاست جمهوری، به توافق نامه سیاسی (29 سنبله 1393) و تشکیل دولت وحدت ملی انجامید؛ توافق نامه ای که به سختی حاصل شد و افغانستان را از فرو رفتن در بحران عمیق سیاسی و امنیتی نجات داد.

مهم ترین نکات توافقنامه میان طرفین امضا کننده یعنی اشرف غنی و داکتر عبدالله، تقسیم مساویانه قدرت و ایجاد اصلاح و تغییر در نظام انتخاباتی و ساختار نهادهای انتخاباتی و سپس تدویر لوجرگه بمنظور تعدیل و تغییر در قانون اساسی جهت بررسی تغییر نظام سیاسی افغانستان از نظام ریاستی به نظام صدارتی بود. اما تطبیق و اجرایی ساختن مفاد توافقنامه سیاسی در طول بیشتر از یک سالی که از امضای آن سپری شد، هنوز در مراحل ابتدایی قرار دارد. نه از آن تقسیم مساویانه قدرت در دولت وحدت ملی خبری است، نه از ایجاد اصلاح و تغییر در نظام و ساختار انتخاباتی و نه از گام های ابتدایی در جهت تدویر لویه جرگه ای که نکته اصلی این توافق نامه را در مورد تغییر نظام سیاسی افغانستان از ریاستی به صدارتی، بررسی کند.

کابینه دولت وحدت ملی پس از ماه ها انتظار معرفی شد و از مجلس نمایندگان رای اعتماد گرفت. اما اعضای این کابینه پس از شروع کار خود در حوزه های مسئولیت شان در دولت وحدت ملی با سیاست دوگانه و سیاست یک بام و دو هوا روبرو شدند. وزیران مربوط به تیم تحول و تداوم که از سوی رئیس جمهور معرفی شده اند در حوزه کاری وزارت شان از صلاحیت برخوردار هستند. با دست باز و مقتدرانه عمل می کنند و در تقرر و تعویض معینان، رئیسان و کارمندان عالی رتبه وزارت شان بدون معطلی و تعلل، منظوری ریاست جمهوری را بدست می آورند. اما وزیران مربوط به تیم اصلاحات و همگرایی که از سوی داکتر عبدالله رئیس اجرایی معرفی شده اند، حالت رقت باری دارند و در ناتوانی و درماندگی به سر میبرند. برخی از این وزیران با دور زدن از قصر سپیدار و ریاست اجرایی و ایجاد پیوند های نزدیک با ارگ و ریاست جمهوری در صدد بیرون شدن از این درماندگی برآمده اند. شمار دیگر در مسند و دفتر وزارت های شان هیچگونه صلاحیت و توانایی در تقرر و تعویض معینان، رئیسان و کارمندان ارشد وزارت ندارند و با ناتوانی و درماندگی، دست نگر و منتظر احکام و امضای رئیس جمهور و ارگ هستند. حتی تعدادی از این وزیران جرئت مطالبه و پیگیری پیشنهادات خود را از ارگ ندارند. در میان وزیران تیم اصلاحات و همگرایی، حالت وزیر معارف و حوزه کاری او در این وزارت که بزرگترین وزارت در میان تمام وزارت های افغانستان را تشکیل می دهد و بیش از نیم مامورین دولت افغانستان به این وزارت تعلق می گیرد، بسیار رقت بار و ترحم بر انگیز است.

وزیر معارف که از ولایت بلخ و از آدرس جناب عظامحمد نور والی این ولایت که نقش بسیار برجسته و تعیین کننده در حمایت از تیم اصلاحات و همگرایی و به خصوص در

حمایت از داکتر عبدالله داشت، به این وزارت معرفی گردید. اما وزیر معارف در طول تصاحب کرسی وزارت پس از اخذ رای اعتماد شورای ملی در 29 حمل 1394 تا اکنون که شش ماه را در بر می گیرد، نتوانسته تا منظوری رئیس دفتر خود را از رئیس جمهور غنی بدست بیاورد. این در حالی است که پیشنهادات وزیر معارف در مورد تعیین و تقرر معینان و رئیسان این وزارت همچنان در طول این شش ماه در دفتر های ریاست جمهوری ناپدید هستند.

نکته شگفت آور و غم انگیز این است که وزیر معارف و شاید بسیاری از وزیرانی که از سوی رئیس اجرایی معرفی شده اند، رئیس جمهور را جدا از جلسات کابینه به ندرت می بینند و یا دیده نمی توانند. این وزیران و به ویژه وزیر معارف که گاهی در صدد تعقیب پیشنهادات بی پاسخ خود از دفتر ریاست جمهوری و یا دفتر اداره امور می شود، به شخص میانجی و ارتباطی با رئیس جمهور و دفتر ریاست جمهوری که مصطفی مستور معین وزارت مالیه و مشاور ارشد ریاست اجرایی دولت وحدت ملی است، متوسل می گردد؛ توسل و در واقع تقلای که در این شش ماه، موجب اجرای پیشنهادات ارسالی وزیر معارف به ریاست جمهوری نگردیده است.

تفویض صلاحیت اجرایی از سوی رئیس جمهور به وزیران حکومت مبنی بر انتخاب و توظیف معینان و رئیسان وزارت ها نیز حالت درمانده و رقت انگیز وزیر معارف و وزیران معرفی شده از سوی رئیس جمهور از این صلاحیت استفاده کردند و تعیینات معینان و روسای دواير وزارت خود را به سرعت عملی ساختند. وقتی وزیر معارف دولت وحدت ملی با استفاده از این اختیار قانونی خود رئیسان معارف ولایات تخار و قندوز را تعویض کرد، در پایان روز رئیس جمهور غنی وزیر معارف افغانستان را در صحبت تلفونی تهدید کرد و وهشدار داد که از اعطای صلاحیت داده شده سوء استفاده نکند. شاید برای بسیاری از وزیران تیم اصلاحات و همگرایی که از آدرس رئیس اجرایی و قصر سپیدار به مسند و مقام وزارت تکیه کرده اند، هر گونه وضعیت رقت آور و تحمل ناپذیر در ازای لذت این مسند، قابل کتمان و تحمل باشد، اما نکات اصلی قابل پرسش به تحقق مفاد توافقنامه سیاسی در چنین وضعیت بر میگردد. آیا این وزیران با این روز و روزگار شان در حکومت وحدت ملی، مشارکت مساویانه قدرت را در این حکومت بر مبنای توافقنامه سیاسی تمثیل می کنند؟ آیا مهم ترین اصل موافقت نامه که به اصلاح و تعدیل قانون اساسی در جهت تغییر نظام ریاستی به نظام صدارتی بر می گردد در لویه جرگه مورد نظر این توافق نامه محقق خواهد شد؟